

معرفی «فانوس خیال» نسخه خطی فارسی کتابخانه حکومت

اندهراپرادش هند* (علمی-پژوهشی)

یحیی طالبیان

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

در این مقاله، نسخه خطی فارسی کتابخانه حکومت آندهراپرادش حیدرآباد هند معرفی می‌شود، نخست مشخصات صوری نسخه، یعنی نام مؤلف و کاتب، زمان تالیف و کتابت، تعداد و اندازه اوراق و آغاز و انجام نسخه ذکر می‌شود؛ آنچه معمول مندرجات فهرست نسخ خطی است.

آنگاه، محتوای نسخه که در مباحث صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع فارسی و معانی ثانویه حروف که در پنج فصل رقم خورده است، بررسی می‌شود. به نگرش عمومی او در باب بلاغت و تقسیم بندی او در این باب اشارت می‌رود و بعضی مشترکات و تفاوت‌ها را یادآور می‌شود. اعلام و کتبی که در این نسخه به آنها اشارت رفته و یا به مطالب

* تاریخ پذیرش نهایی: ۸۱/۶/۱۰

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۴/۳

آنها استناد شده؛ همچنین، نام شاعرانی که به شعر آنها استشهاد گشته، استخراج می‌شود و سرانجام، با استنتاج نهایی و برشمردن ویژگی‌های محتوایی و ارزش کتاب، مقاله به پایان می‌رسد.

واژگان کلیدی

کتابخانه اندهرپرادش، نسخه خطی، فانوس خیال، ابوالعزیز ارشد اشرف، صرف، نحو، معانی بیان، بدیع.

۱- مقدمه

زبان و ادبیات فارسی از عصر غزنویان به سرزمین هند راه یافته است و از آن زمان تاکنون، شاعران و نویسندگانی در آن سرزمین به رواج و گسترش زبان و ادبیات فارسی یاری رسانده‌اند. از آغاز صفویه نیز با هجرت تعداد کثیری از عالمان و شاعران بدان سرزمین و حمایت حکومت از آنان، زبان فارسی گستره و غنای بیشتری پیدا کرده. اطلاعات ما از نویسندگانی که در حوزه صرف و نحو و به ویژه بلاغت زبان فارسی، در سرزمین هند آثاری آفریده‌اند، نسبتاً اندک و نوع نگرش و آرایش فکری آنان هم گاه متفاوت با فارسی‌زبانانی است که در مرکز قلمرو زبان فارسی زیسته‌اند. از این‌رو، اطلاع از محتوا و احتمالاً چاپ آثاری مانند نسخه خطی «فانوس خیال»، می‌تواند نگاه ارباب فن صرف و نحو و بلاغت را در شبه قاره هند به زبان فارسی روشن سازد و این مقاله، آغازی بر تبیین ضرورت و اهمیت این موضوع است.

۲- ویژگی‌های صوری

«فانوس خیال» نسخه خطی به زبان فارسی است که با شماره ۱۰۲۵۱ در گنجینه نسخ خطی کتابخانه حکومت اندرهرآبادش حیدرآباد هند نگهداری می‌شود. این کتابخانه فهرست علمی، منظم و چاپ شده‌ای از نسخ خطی خود ندارد.

مؤلف کتاب: ابوالعزیز ارشد اشرف متخلص به خیال (ب ۱b) است. او در سبب تالیف خود گوید: «از مدت دیرباز، عزم تسوید برخی از قوانین انشا و تبیض نبذی از آیین املایش نهاد...» (ب ۱b) و «چون غرض از تالیف این رساله که در اصول شعر و انشا است، تعلیم چندی از قواعد ضروریّه غریبه عربیه بود به ناآشنایان زبان تازی و اظهار مواقع استعمال بعضی کلمات ناگزیر عجیبه عجمیه به مشتاقان شیوه سخن سازی...»

این کتاب در ۵ فصل با عنوان‌های تمثال اول در نشأ لوازم انشا، تمثال دوم در صرف مسایل صرف عربی و فارسی، تمثال سوم در استطار نحوی از مسایل نحوی، تمثال چهارم در ایراد محسنات کلام و لطایف زبان دانی، اعنی: در معنی علم بیان و بیان علم معانی، تمثال پنجم در اعتداد بدایع علم بدیع فراهم آمده است.

نویسنده «دو صد فقره همساله» در ماده تاریخ شروع رساله آورده است؛ بدین معنی که وی دوست عبارت آورده است که مطابق شمارش ابجدی، سال آغاز رساله را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، عبارات: «چهره صورت ارژنگ»، «آداب صنعت شعر»، «یادگار گلچین فانوس خیال»، همگی تاریخ ۱۱۸۷ هـ. را نشان می‌دهند که تاریخ آغاز رساله است و به نظر می‌رسد نشان از نوعی ترس و واهمه از جعل و سرقت کتاب داشته باشند و یا نوعی نمایش توان و قدرت مؤلف و احاطه او بر کلام باشند.

نویسنده در وجه تسمیه کتابش ابیاتی می آورد که بدین بیت می انجامد:

شاید که غزالی دل آرا گفت این نغمات دلریا را
چرخ فانوس خیال و عالم حیران دراو مردمان چون صورت تصویر سرگردان دراو

همانطور که ابیات اشاره دارند، نویسنده نام کتاب خود را از شعری از غزالی مشهدی الهام گرفته است و در جای دیگر هم به بیت غزالی مشهدی اشاره دارد (فانوس خیال، ص ۷۶). نویسنده در پایان کتاب، صد کلمه مساوی العدد و نادر العصر در تاریخ اتمام کتاب خود می آورد (ب ۲۳b) که همگی مطابق حساب اجدد به عدد ۱۱۸۸ هـ. یعنی سال اتمام کتاب می رسند؛ مانند «سرو خیابان گلزار»، «مفتاح نطق دانشمندان»، «قانون شرافت» و ... و سرانجام، در ابیات ذیل می گوید:

سال تاریخ این صحیفه فیض سال تاریخ گفته ام بی باک
کفاره هزل بر محمد صلوات برآل و به پیروان احمد صلوات

بنابراین، نویسنده از سال ۱۱۸۷ تا سال ۱۱۸۸، در مدت یک سال کتاب را تألیف کرده است.

تحریر تاریخ دوم در اتمام مسوده، سیوم سال ۱۱۹۰ را نشان می دهد با ابیات ذیل:

جامه از راه وفاداری این سیوم نامه چو تحریر نمود
سال ارقام وی از پرده غیب گفت هاتف که «چراغ بی دود»

در صفحه پایانی کتاب و در پایین صفحه و با خط قرمز سال کتابت نسخه چنین مندرج است: «سیزدهم رجب المرجب سنه ۳۰ جلوس معلی حضرت صاحبقران، شاه عالم، پادشاه غازی، خلد الله ملکه و سلطانه، به دار الخلافه شاه

جهان آباد، مطابق سنه ۱۲۰۲ هجریه المقدس؛ بعد از کلمه «مقدس» تراشیدگی
یا آسیب دیدگی داشته که ترمیم شده است، لیکن از نام کاتب اثری نیست.

آغاز

بعد حمد نامحدود کس بی کسان و درود نامحدود شفیع انسان و منقبه ذی مرتبت آل و اصحاب انّ علیهم التحیه و الرضوان، می گوید:...

انجام

اللهم اغفر لی و تبّ علیّ انک انت التّواب الرحیم برحمتک یا ارحم الراحمین، امین.
نسخه در ۲۹۶ برگ ۱۵ سطری به خط نستعلیق نگاشته شده و کرم خوردگی هایی در صفحات دیده می شود. عنوان ها با خط قرمز نوشته شده و شماره گذاری متأخر است، لیکن ذکر کلمه صفحه بعد در هر صفحه، تسلسل مطالب کتاب را تایید می کند.

نسخه دیگری از فانوس خیال در کتابخانه بانکی پور به شماره ۸۵۶ در ۱۴۹ برگ ۹ سطری نگهداری می شود که تاریخ کتابت آن در رمضان ۱۲۲۳ A.H فصلی (faṣli) بوده است (فهرست کتابخانه بانکی پور، ج ۴). در این اثر هم نام کاتب نیامده است؛ نسخه خطی دیگر «فانوس خیال» در کتابخانه بهلک پنجاب پاکستان نگهداری می شود (منزوی: ج ۳) تاریخ کتابت آن ۱۸۶۱ م. و با خط نستعلیق شکسته نوشته شده است.

۳- ساختار و محتوای کتاب

پیشگفتار مفصل و مُطَنب که - جدا از مقدمه کتاب است -، مشتمل بر ۱۸ صفحه است، لیکن نثر کتاب تا پایان با اطناب و لفاظی همراه نیست. در سرآغاز در درازه گویی و ارائه مترادفات راه افراط پیموده است. آنگاه، مقدمه کتاب در سه پرتو آغاز می شود؛ پرتو اول، در تعریف انشا، پرتو دوم، در ایضاح موضوع انشا، و پرتو سوم، غایت انشا. تمثال اول، به لوازم انشا اختصاص دارد و در نظر

اول، نویسنده بحثی در رحجان انشا بر شعر و منشی بر شاعر دارد که ۵ دلیل در اثبات برتری اقامه می کند. طراز دوم، در کیفیت انشا و ماهیت منشی. در طراز سوم، اقسام انشا را سه قسم مرّجز* و عاری و مسجّع می داند و دو قسم سجع متوازی و مطرف را در ذیل همین عنوان توضیح می دهد؛ طراز چهارم، در ذکر قوانینی که فنّ نثر بدان وابسته است. این قواعد در نظر نویسنده، دوازده قاعده است که مهمترین آنها حفظ مرتبه متکلم و مخاطب، احتراز از به کار بردن کلمات متنافر و ضعف تالیف، آرایش عنوان مراسلات، ذکر تاریخ نامه، احتراز از تطویل، شناخت انواع کاغذ و قلم و دانستن رسم الخط و ... و در طراز پنجم، به طور جداگانه بحث می کند و در ارزش یاد گرفتن رسم الخط واحد در حاشیه آورده است: «الخطُ نصفُ العلم»، در این بحث، نویسنده نام دیگر رسم الخط را "املی" می داند و تعریفی از خط هم ارائه می کند و آنگاه، نحوه حروف فارسی را طبقه بندی می کند و نحوه نوشتن هر یک را در کلمات توضیح می دهد و گاه سخن خود را مستند می کند به آثار دیگران، از آن جمله گوید: «عضدالدوله جمال الدین حسین انجو در آیین دهم فرهنگ خود در مبحث "واو" مذکور ساخت.» (فانوس خیال، ص ۴۳) همچنین، به کتاب مجمع الصنایع، فرهنگ جهانگیری و رساله امیر خسرو دهلوی اشاره دارد و در این بخش، از شاعرانی چون فصیح گنجوی، شرف الدین علی یزدی و قیاض لاهیجی شاهد می آورد.

* نثری که دو قرینه آن هم وزن باشند (فرهنگ معین)

بحثی با عنوان «وقایع تاریخ» در پنج صفحه ارائه می‌کند که در آن سندهای مشهور را تعریف و مبدأ و منشأ آنها را متذکر می‌شود. در نظر او دو تاریخ مشهور است: نخست، هجری که به عربی و هلالی شهرت دارد و منشأ آن را متقدمین از ربیع‌الاول و متأخرین از ماه محرم هجرت پیامبر می‌دانند و دوم، «فصلی» که تعیین آن به ظن غالب از غزوه خیبر باشد (فانوس خیال، ص ۵۶). در اینجا اقوال دیگری را که در منشأ این تاریخ ذکر شده، یادآور می‌شود؛ او رواج این تاریخ را در دیار هند از زمان سلطنت جلال‌الدین اکبر می‌داند. ذکر منشأ تاریخ رومی و بحثی در این باره، تاریخ اسکندری، یزدجردی، محمد شاهی و دو تاریخ هندیان، یعنی کرما جیب و شاکه، تاریخ عیسوی و جلالی در این قسمت از کتاب آمده است؛ او سال ۱۱۸۸ هجری را - که سال تالیف کتاب است - با سال‌های مذکور تطابق داده است؛ برای مثال، سال ۱۱۸۸ هجری مطابق سال ۵۷ محمد شاهی است.

تمثال دوم از صفحه ۵۰ کتاب با بحث درباره صرف و نحو فارسی و عربی آغاز می‌شود و تا صفحه ۶۵، یعنی حدود ۱۵ صفحه، به طول می‌انجامد و در طراز اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم، مباحث معنی، صرف، تعریف فعل و فاعل و مفعول، بیان امر و نهی، تعریف اسم و مبحث ظرف زمان و مکان مطرح می‌شود. مبحث صرف فارسی و عربی جداگانه طرح نشده است؛ بیشتر بحث مربوط به زبان فارسی است؛ گاه بر سبیل تطابق یا توضیح، اشاره‌ای به زبان عربی هم دارد.

تمثال سیوم در استطار قواعد نحوی است، طراز اول، در تعریف نحو عربی و فارسی است. طراز دوم، در معنی کلام و بحث خبر و انشا. طراز سوم، در بیان حروف عاطفه؛ نویسنده، کلمات عاطفه را این گونه برمی شمارد: با و تا و یا و نون و واو و اگر و باز و بلکه و پس و پن و خواه و دگر و دیگر و هاس و هم و همان و همیدون. کلمات اضراب: واو، بل (عربی) بلکه (فارسی). کلمات العناد و حروف التردید، چون خواه و یا و اگر و واو؛ مؤلف در مثال برای حرف «هاس» به شعر ذیل از مختاری استناد می کند:

طیتی کردم و پشیمانم تا چنین چیزها نگویم هاس

و «پن» به فتح بای فارسی و در برهان به معنی اما ولیکن، و تحقیق آن است که این لغت دکن است، پس از ما نحن فیه نباشد (فانوس خیال، ص ۸۳). بحث درباره کارکرد زبانی حروف عاطفه در صرف و نحو می آید و توضیح معانی ثانویه در مقوله معانی و در مبحث وصل و فصل می گنجد که نویسنده در دل مباحث نحو بدان پرداخته است و به هر صورت، این بحث از جهت اشتغال آن بر مثالهای فارسی و نقل اشعاری از شاعران فارسی و نکاتی بدیع، قابل توجه است و از برتری های کتاب به شمار می آید.

طراز چهارم، در بشارت اسمای اشارات و طراز پنجم، در تبیان اضافت و در پایان بحث تتابع اضافات، گریزی به این نکته می زند که حائز اهمیت است و آن اینکه تتابع اضافات را «در رسایل بدایع از عیوب گفته اند و نامطبوع شمرده، لیکن حق تحقیق این که استهجان تتابع اضافات در تازی است نه در فارسی، چه در نظم و نثر اکابر زبان دانان فارسی بسیارست و بر متبوع پوشیده

نیست.» (فانوس خیال، ص ۹۴) بحث نحو با کلماتی که با پسوند «ها» ختم می‌شوند، به همراه اشاره به یکی دو پیشوند به اتمام می‌رسد. مؤلف، در بحث از پسوندها، معانی پسوندها را با ذکر مثال‌هایی یادآور می‌شود؛ مثال: کلماتی که معنی شبه و مانند بخشد «دیس» به کسر دال مهمله و یای مجهول، چنانچه «خانه دیس» و «حوردیس» و «فرخاردیس». شیخ شیراز:

چه قدر آورد بنده حوردیس که زیر قبا دارد اندام پیس

(فانوس خیال، ص ۹۶)

بحث صرفی و نحوی نویسنده در زبان عربی و فارسی جداگانه طرح نشده است و طبقه بندی ویژه‌ای ندارد، لیکن اختلاط و امتزاج فارسی و عربی و تسری قواعد عربی به فارسی گاه دیده می‌شود، لیکن شواهد همه از زبان فارسی است و به ندرت جمله‌ای مشهور از زبان عربی به عنوان شاهد آمده است.

معانی و بیان

تمثال چهارم، در ایراد محسنات کلام و علم بیان و معانی از ص ۹۹ کتاب آغاز می‌شود؛ نویسنده در این قسمت، کلام منظوم را سه قسم قصیده و مثنوی و مسمط می‌داند و انواع دیگر را قسم قصیده اعتبار می‌کند (فانوس خیال، ص ۹۹) و به قول شارح قصاید انوری، یعنی ابوالحسن فراهانی، استناد می‌کند و به مناقشات در این مورد هم اشارتی دارد؛ آنگاه، قول قدما را در مورد اقسام دوازده گانه کلام منظوم یادآور می‌شود و می‌پذیرد و بدینگونه کلام منظوم عبارت است از: غزل، تشبیب، قصیده، قطعه، مثنوی، رباعی، ترجیع بند، فرد، مستزاد، مسمط، لغز و موعی. در این تقسیم بندی مؤلف هم تفاوت‌هایی با

نظرات رایج دیده می‌شود؛ آنگاه، توضیح هر یک از اقسام آغاز می‌گردد. این بحث، آغازگر مبحث مؤلف در معانی و بیان است، لیکن در مباحث قدما، گاه در ضمن فن بدیع مطرح می‌شده و مطابق تقسیم‌بندی‌های متأخرین، جزو بحث انواع ادبی به‌شمار می‌آید (انواع ادبی، شمیسا؛ انواع ادبی در زبان فارسی، رزمجو). توضیح این مطالب نسبت به کتب بدیعی مشابه از کمیّت بیشتر و قابل توجهی برخوردار است؛ به هر حال، این بحث، ۳۹ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است و مطلب تازه‌ای جز فراهم آوردن یکی دو اصطلاح در این بخش دیده نمی‌شود. از جمله اصطلاحات تازه‌ای که مؤلف وضع کرده است، دو مورد ذیل است:

شعر تر: شعری است که آبدار است، سلامت آن چون چشمه آفتاب موج می‌زند؛ لسان‌الغیب: کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد

شعر خشک: شعری که لفظاً و معنأً از دایره خوبی بیرون رود؛ کمال اسماعیل:

خشک است شعرم آخر دیری ست تامرا از بحر شعر نوک قلم ترید ساست

(فانوس خیال، ص ۱۳۲)

از جمله اصطلاحات دیگر، می‌توان تغلیب، التقای خاطرین، صنعت عجز و تصرف را یاد کرد.

در وجه تسمیه رباعی گوید: «رباعی در لغت، چهار دندان پیشین است که زیب دهن به آن است. در قدیم‌الایام، این قسم شعر را چهارگانی می‌گفتند، نظر بر این که بنای آن بر چهار مصرع است در یک وزن و قافیه. بیت نخستین، دو قافیه دارد و بیت دوم، یک قافیه. برای رباعی بحر خاصی است که به قول

اهل عروض، از منشعبات بحر هزج است و تغییر زحافات در آن بسیار واقع
شود. آن را دو بیتی نیز گویند. بعضی شعرا رباعی را چهار قافیه گفته‌اند و آن را
از جمله صنایع شمرده؛ میرزا ابراهیم ادهم:
گفتم به جنون چیست ایافن تو گفتا که به کوه و دشت سردادن تو

گفتم زنجیر من شود رهزن تو گفتا سر زنجیر تو در گردن تو»
(فانوس خیال، ص ۱۰۶)

همچنان که روشن است، مؤلف، رباعی و دو بیتی را یکسان می‌شمارد و آن را نه به عنوان قالب و یا نوع ادبی، بلکه به عنوان صنعت قلمداد می‌کند و این تلقی با نظر اهل بلاغت تفاوت دارد (همایی، ۱۳۶۴).

بحث معانی از صفحه ۱۳۷ آغاز می‌شود و نویسنده گوید: «چون فنّ معانی شامل است اکثر انواع حروف صله را، پس لازم آمد تعریف حروف و بیان حروف صله» (فانوس خیال، ص ۱۳۷) و پس از آن، تعریف حرف آغاز می‌شود و با بحثی کافی در زمینه حروف و معادل آنها در عربی ادامه می‌یابد. و در بیان حروف صله (به ویژه «که») از اقسام سببیه، تبعیضیه، مجاورت، ابتدائیه اتصالیه، تجریدیه، تفضیلیه، تمکینیه و اعراضیه با مثال‌های فارسی یاد می‌کند و برای «که» به معنی را، در، بر، اضافه و ... و در معنی حرف «واو» از معانی مقابله، معاوضه، استعانت، سببیه و ... با مثال‌های فارسی یاد می‌کند. به هر حال، بحث معانی بر خلاف شیوه معمول که در ۸ فصل مجزا ارائه می‌گردیده است، در این کتاب مشاهده نمی‌شود. و شاید این روش و تفاوت طبقه‌بندی از رنگ و بوی زبان و ادب فارسی در سرزمینی دیگر حکایت کند که زبان فارسی را به شیوه و گونه خود می‌فهمیدند و به کار می‌بردند و با ادبیات آن سروکار داشتند و یا به گفته استادی از آن دیار، «زبان فارسی هندی» با «فارسی» فرق دارد. جالب آن است که نویسنده، تعریف معمول فنّ معانی را از کتب عربی به عنوان سرآغاز بحث آورده است: «هو علمٌ يُعرَفُ به احوالُ اللَّفْظِ العَرَبِيِّ الَّتِي بها

یُطابق مُقتَضَى الحال» (فانوس خیال، ص ۱۳۷)، لیکن نشانی از ادامه بحث به روش معمول قدهما نیست.

در شروع بحث بیان، مؤلف، تعریف معمول بیان را به لفظ عربی می آورد و در ادامه گوید: «این فن را صنایع نیز گویند و آن بر دو قسم است: لفظی و معنوی» ... «در هر دو قسم صنایع، آنچه از کتب مطوله، مثل مفتاح سگاکي و تخلص و مطول استنباط نموده، بحول الله و قوتّه که ایراد آن در کلام موجب کمال حسن و کمال انکاشته ...» ممکن است، نویسنده، کتب مذکور را دیده باشد، لیکن شیوه بدیع نویسی را در کتاب خود به عنوان «سنتی هندی» برگزیده، همان سنتی، که بعضی از متأخران هم، همچون مرحوم همایی در کتاب «فنون بلاغت و صناعات ادبی» که نام اولیّه آن صناعات ادبی بوده، بر این شیوه رفته است. کاربرد «سنتی هندی» بدین معنی اشاره دارد که تاریخ تدوین کتب بلاغی فارسی، بر اساس اطلاعات موجود، با تالیف کتاب «ترجمان البلاغه» آغاز می شود (طالبیان، رساله کارشناسی ارشد). این کتاب در هند نوشته شده و سرگذشتی جالب دارد (ترجمان البلاغه، مقدمه، ۱۳۶۲). در این کتاب هم، تشبیه و استعاره به عنوان صناعاتی معنوی قلمداد شده اند. و حال آنکه شیوه تالیف بلاغت در کتب عربی متقدمان، پس از سگاکي، عموماً انحصار بیان در چهار عنوان تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه است.

بحث بیان با ذوالمعنین آغاز می شود که بحثی در ایهام است؛ اصطلاح ایهام را جداگانه بدون نکته تازه ای معرفی می کند؛ آنگاه، به تشبیهات می پردازد و تشبیه مطلق، کنایه، مشروط، عکس، تسویه، اضممار، تفضیل و

استعاره را تعریف می‌کند و مثال می‌زند؛ نام‌گذاری و شمار تشبیهات با روش و شیوه صاحب ترجمان البلاغه و کتب بدیع فارسی بیشتر شباهت دارد تا با کتبی که نویسنده در صدر بحث اشاره کرده که از آنها استنباط کرده است. بقیه بحث به تعریف و استشهاد در باب صناعات معنوی بدیع اختصاص می‌یابد تا آنکه در طراز پنجم، به صنایع لفظی می‌رسد؛ مؤلف همه صناعات لفظی معمول را برمی‌شمارد و در تعریف و اقسام جناس تفصیل بیشتری دارد؛ در بحث بدیع، نکته تازه‌ای جز شیوه معمول بدیع نویسی به چشم نمی‌خورد، الا آنکه گاه اصطلاحات تازه، با همان مفاد سنتی به چشم می‌زند؛ برای مثال، مؤلف به جای «سیاقه الاعداد» از اصطلاح «ایراد المعطوفات» استفاده کرده و معطوفات را به جملات معطوف هم تسری داده است. مثال از وحید:

آتش و اخگر و دود و شیر و شوق «وحید» عشق مشهور جهان کرد به صد نام را
حضوری قمی:

بگو و بشنو و جامی بنوش و شوخی کن زمن که محو توام اینقدر حجاب چرا
(فانوس خیال: ص ۱۷۹)

نویسنده، اصطلاح بدیعی «ابداع» را در طراز سیوم و به صورت جداگانه آورده است و در طراز چهارم، بحثی در دو اصطلاح دارد؛ بدین مضمون که گاه در شعر، اسناد در وضع حقیقی است و گاه در وضع مجازی و برخلاف خلقت و طبیعت که البته طبیعت شعر همین است. او از دو اصطلاح «وضع الشیء فی محلّه» و «وضع الشیء فی غیر محلّه» یاد کرده است، در مورد اول، مثال ذیل را آورده:

دلم که در سر زلف تو هست خانه طلب چو مرغ در سرشب باشد آشیانه طلب
و در مورد دوم:

به زیورهای بیاریند وقتی خوب رویان را تو سیمین تن چنان خوبی که زیورهای یارایی
«طراز پنجم، در بیان مواقع استعمال بعض حروف متداوله به رعایت حروف تهجی» است که فرهنگ الفبایی است و در این فرهنگ، کلمات مورد نظر خود را از دیدگاه مورد نظر خود که گاه توجه به معنی لغوی و گاه صرفی و گاه بلاغی است، توضیح داده است و ۳۷ صفحه است و پایان کتاب به بحث «حروف معجم، یعنی حروف تهجی و تبدیل هر حرفی از اینها با حرفی دیگر» می‌پردازد. در این قسمت از کتاب، مؤلف، ابتدا صورتهای گوناگون حروف الفبا را متذکر می‌شود، آنگاه، به معانی حاصل از این حروف در متون شعری وارد می‌شود؛ مثال: الباء التازی: «این با در اصل برای الصاق است، چنانچه ائمه نحات بدان تصریح کرده‌اند، غایتش در عربی به کسر است و در فارسی به فتح و به معنی مع و برای استعانت و سبب و معارضیه، چنانچه گذشت و به معنی مقدار نیز آید؛ خواجه شیراز:

گر به هر موی سری بر تن حافظ باشد همچو زلفت همه را در قدمت اندازم
در ذکر معنی ب: با، به معنی تحت، قسم، صله، الی، قریب، پیش، مطابقه، را و تعدیه» از جمله بحث‌های نویسنده است که مثال‌هایی از شعر فارسی هم می‌آورد و این بحث تا پایان حروف الفبا، یعنی «ی» و اقسام یای معلوم و مجهول که برای تنکیر و افراد و تکریم و تعظیم و تهویل و تریب و تذلیل و تحقیر می‌آید، به همراه مثال‌های مناسب، مطالب کتاب را به خاتمه می‌رساند.

اشاره به کتب زیادی در نسخه فانوس خیال دیده می‌شود، لیکن به نظر می‌رسد وقوف نویسنده بر کتاب‌هایی چون مطول و تلخیص اندک بوده و استشهادی هم بدانها ندارد، لیکن وقوف مؤلف بر آنچه در هند، در حوزه معنایی وسیع بلاغت نگاشته شده، بیشتر است؛ به‌ویژه در مباحث انشا و حروف و معانی ثانویه آن، اطلاعات قابل توجهی عرضه می‌کند و مثال‌ها و شواهد زیادی می‌آورد.

اعلام و کتب

اعلام و کتبی که در نسخه بدانها استناد و یا اشاره شده است، عبارتند از: مدارالافاضل، فرهنگ جهانگیری، مطلع سعدین، صحیفه شاهی، اساس الاقتباس، حدایق العجم، شرح گلستان، جواهر الحروف، کشف، مطول، تلخیص و مفتاح.

نویسندگانی که ذکری از آن‌ها رفته و یا به قول آن‌ها استناد شده است: سراج‌المحققین، خیرالمحققین، خیرالله‌خان مهندس، محمد قاسم، هندوشاه استرآبادی (مشهور به فرشته)، حسین بن علی الواعظ کاشفی (صاحب صحیفه شاهی)، میرجمال‌الدین حسین انجو (صاحب فرهنگ جهانگیری)، خواجه نصیر طوسی، سیدالمحققین، میرسید شریف، ابوالحسن فراهانی، شارح قصاید انوری، مولانا سروری (صاحب شرح گلستان)، مولانا علی برجنیدی (صاحب شارح تهذیب)، رشیدی، خان آرزو، رشید و طواط، ملا عبدالغفور (حاشیه فواید ضیائیه) و سکاکی.

شاعرانی که شعر از آنها نقل کرده

به هر حال، تا قبل از فراهم آمدن چاپ نسخه خطی فانوس خیال و بهره‌گیری کامل و جامع از مفاد و مطالب کتاب، می‌توان اشاره ذیل را خالی از فایده ندانست که نویسنده به شعر شاعران برجسته زبان فارسی چون سعدی، حافظ، مولوی، قطران، سوزنی، عطار، فردوسی، انوری، جامی، امیرمعزی، خاقانی، فرخی، عنصری و کمال‌اسماعیل استشهاد کرده و شعر شاعران دیگری که اغلب آنها در محدوده سبک هندی جای دارند، نیز مورد استناد او بوده است. اسیر لاهیجی، فصیح گنجوی، شرف‌الدین علی یزدی، ملاغزالی مشهدی، قیاض لاهیجی، عرفی شیرازی، خان آرزو، ناصر علی، محسن تاثیر، اشرف سعید، بیدل، صائب، خیالی گیلانی، محمد هاشم سنجر کاشی، وحید، محمد صادق القادر، محمد قلی میلی، ظهوری، محمد علی حزین، جمال‌الدین سلما، عبدالمحسن کاشی، ابراهیم حسن نصیری، حضوری قمی، ملافوقی یزدی از این جمله‌اند.

نتیجه‌گیری

اگر ویژگی‌های نسخه خطی فانوس خیال را به عنوان استنتاج بحث خلاصه کنیم، عبارتند از:

- ۱- مؤلف کتاب به شعر شاعران در همه ادوار شعر فارسی استناد کرده است؛ خود اهل شعر بوده و گاه ابیاتی از شعر خود به عنوان شاهد می‌آورد.
- ۲- به نویسندگان و کتب زمان خود مراجعه و بدانها استناد کرده است؛ بنابراین، نوعی نقد و بحث ملایم در بلاغت و صرف و نحو است.

۳- نقل شعر از شاعران برجسته و دیگر شاعران در این کتاب، گاه محققان را در ابیات تازه‌ای که گم‌شده تلقی می‌شده‌اند، یاری می‌رساند و نوعی نقد و بررسی شعر این شاعران در مقوله‌ای خاص هم به شمار می‌آید.

۴- اشمال کتاب بر مباحث دیگری غیر از بلاغت به معنی مرسوم و معمول، یعنی معانی و بیان و بدیع، می‌تواند موضوع کتاب را از دایره بلاغت بیرون کند، لیکن این شیوه از گذشته معمول بوده و کتاب‌های سترگی چون مفتاح العلوم سکاکی هم بر این شیوه است. از سوی دیگر، بعضی مباحث می‌تواند در مباحث عملی بلاغت مورد توجه باشد، بدین معنی که منشی و یا شاعر بی‌نیاز از مباحثی چون رسم الخط و صرف و نحو نیست، لیکن مؤلف از این دو بحث با اشاره رد شده و بیشتر، تکیه خود را بر مباحث مشترک در دو فن، چون حروف عاطفه، گذاشته است. به هر حال، بحث معانی و بیان کتاب بسیار کوتاه است و گاه برخلاف شیوه معمول.

۵- نکات تازه زیادی در کتاب دیده می‌شود و مهمترین نکته آنکه تکیه کتاب در موضوع بلاغت بر حروف و معانی منتج از حروف و استشهاد به شعر شاعران است که این حائز اهمیت است.

۶- شیوه بدیع نویسی هندی و ایرانی در این کتاب رعایت شده و موضوع معانی کاملاً با سنت قدما متفاوت است و موضوعات بیان هم با عنوان صناعات لفظی و معنوی معمول در فن بدیع در کتاب آمده است.

۷- مؤلف اهل تحقیق و دقت نظر در آثار دیگران بوده، متون علمی و ادبی زمان خود را مطالعه کرده و بدانها استناد جسته و یا اشاره کرده است.

*در نقل قول مستقیم از نسخه خطی فانوس خیال، رسم الخط کاتب نسخه، بدون کم و کاست، رعایت شده است.

منابع و مأخذ

- ۱- ارشد اشرف، ابوالعجز، فانوس خیال، گنجینه نسخ خطی کتابخانه حکومت اندهر ابرادش (O.M.L & R.C)، حیدرآباد هند.
- ۲- تفتازانی، سعدالدین، المطول، ۱۴۰۷ هـ. ق، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۳- جرجانی، عبدالقاهر، دلائل الاعجاز، مصحح: محمد رضوان التایه و... ۱۴۰۷ هـ، دمشق، مکتبه السعدین.
- ۴- جرجانی، عبدالقاهر، اسرار البلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، ۱۳۶۱، تهران، دانشگاه تهران.
- ۵- رادویانی، محمدبن عمر، ترجمان البلاغه، مصحح: احمد آتش، ۱۳۶۲، تهران، اساطیر.
- ۶- رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ۱۳۷۰، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۷- سکاکی، ابویعقوب یوسف، مفتاح العلوم، حواشی نعیم زررور، ۱۴۰۷، بیروت، دارالکتبه العلمیه.
- ۸- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، ۱۳۷۶، تهران، فردوسی.
- ۹- طالبیان، یحیی، فرهنگ اصطلاحات بلاغت فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۶۸، دانشگاه تربیت مدرس.

- ۱۰- فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی، ج ۱ و ۲ و ۳، ۱۳۷۹، مرکز میکروفیلم نور، دهلی نو، هند.
- ۱۱- محمد، اشرف، فهرست فارسی مخطوطات موزه سالار جنگ، ۱۹۶۶م. حیدرآباد هند، کتابخانه موزه سالار جنگ.
- ۱۲- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، ۱۳۵۰، تهران، موسسه فرهنگی منطقه ای .
- ۱۳- مولوی عبدالمقندر خان بهادر، فهرست نسخ خطی عربی و فارسی، کتابخانه بانکی پور، ۱۹۲۵، پتنا، هند.
- ۱۴- همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ سوم، ۱۳۶۴، تهران، توس.

